

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

## به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

**استثنائات فراوان**

**دربارهٔ سید شهیدان علیه السلام**

۱۶ بهمن ۱۳۸۹

۲۱ صفر المظفر ۱۴۳۲

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

### شعائر الهی و کیفیت تعظیم آنها

یکی از موضوعاتی که خداوند متعال در قرآن مجید مطرح فرموده و بر تکریم و بزرگداشت آن، تأکید ورزیده است، شعائر است.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ ذَلِكُمْ وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ ﴾<sup>(۱)</sup>.

این است [مناسک حج]؛ و هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه‌ی تقوای دل‌ها است.

براساس توضیح کتب لغت، شعائر به معنای تمام اموری است که نشان و علمی برای اطاعت خداوند عزوجل هستند. این امور طبق آیه‌ی مذکور، سزاوار تعظیم و بزرگداشت‌اند؛ رفتاری که دلیل و نشانه‌ای بر پرهیزکاری قلبی و باطنی است. زمانی که به اهمیت «شعائر» و «تعظیم» آن پی بردیم، لازم است مصادیق آن نیز روشن شوند تا با بزرگداشت این مصداق‌ها، تأکید خداوند مورد عمل قرار گیرد.

۱. سوره حج، آیه ۳۲.

بی تردید مهم‌ترین شعائر الهی و آشکارترین نشانه‌ی طاعت و بندگی خداوند، وجود مقدس خاتم الانبیاء رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌باشند. از سوی دیگر ایشان در فرارزهای گوناگون، تأکیدات خداوند متعال درباره‌ی اهل بیت‌شان عَلَيْهِمُ السَّلَام را به مردم ابلاغ فرموده‌اند. از جمله در آیه‌ی شریف می‌خوانیم:

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾<sup>(۱)</sup>.

بگو: من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم (اهل بیتم).

در این آیه‌ی شریف، مودت اهل بیت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، به عنوان راه منحصر برای ادای پاداش و مزد زحمات رسالت بیان شده است. مودت، نسبت به خاندان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، به معنای حب و دوستی ایشان عَلَيْهِمُ السَّلَام و بغض و دشمن نسبت به دشمنان آنها است.

از دیدگاه علما، حب و بغض و دوستی و دشمنی از اموری است که جز با اظهار و ابراز قابل اثبات و بیان نیست. به عبارت دیگر برای تحقق و اثبات حب و بغض و دوستی و دشمنی با افراد، باید در شادی آنها، ابراز شادی و سرور کرده و در اندوه و تأثر آنها، اظهار اندوه و تأسف نماییم. و از طرفی؛ چون ما به حکم آیه‌ی مذکور مأمور به دوست داشتن اهل بیت پیامبر عَلَيْهِمُ السَّلَام هستیم، بنابراین این مأموریت را با توجه به فرمایش حضرت امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَام در ایام مصائب و سوگواری آن حضرات عَلَيْهِمُ السَّلَام ابراز و اظهار می‌نماییم. حضرت امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرمایند:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَطَّلَعَ إِلَى الْأَرْضِ فَاخْتَارَنَا وَاخْتَارَنَا لِنَا شِيعَةَ

۱. سوره شوری، آیه ۲۳.

ينصروننا ويفرحون لفرحنا ويحزنون لحزننا ويسذلون أنفسهم  
وأموالهم فينا، اولئك منا وإلينا»<sup>(۱)</sup>.

خداوند تبارک و تعالی توجهی به زمین نمود، پس ما را برگزید،  
و برای ما شیعیانی انتخاب کرد که ما را یاری کنند، در شادی ما شاد  
و در اندوه ما غمگین باشند. از جان و مال در راه ما مضایقه نکنند.  
آنها از ما هستند و به سوی ما باز می گردند.

بنابراین، ابراز و اظهار حزن و اندوه از شعائر الهی است و ما مأمور به تعظیم و  
تکریم این شعائر هستیم. به بیان دیگر ما با تعظیم و بزرگداشت شعائر الهی و  
اظهار حزن و اندوه در عزای اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، به دیگران نشان  
می دهیم که نسبت به آن حضرات علیهم السلام حرمت خاصی قائل بوده و در اکرام و  
تکریم ایشان علیهم السلام از هیچ عملی مضایقه نمی کنیم. تعظیم در دل و قلب باید نمود  
و بروز بیرونی نیز داشته باشد، همان گونه که بنده در صورتی تعظیم خداوند را به  
جا آورده که در مقابل ذات اقدس ربوبی سر به خاک سائیده و سجده کند.

### هشدار قرآن مبنی بر لزوم تعظیم شعائر الهی

پس از روشن شدن معنای «شعائر»، وظیفه ای که در قبال «شعائر» داریم و بیان  
یکی از مصادیق مهم آن، نمونه های دیگری از «شعائر» را که مربوط به فریضه  
حج است، با توجه به آیات شریف قرآن مجید، بر می شماریم.

الف - همانطور که می دانیم یکی از شعائر الهی که از واجبات سفر حج به شمار  
می رود، سعی (پیمودن) فاصله بین دو کوه صفا و مروه در مکه است که این فاصله

۱. بحار الأنوار، جلد ۴۶، صفحه ۲۸۷؛ خصال شیخ صدوق، صفحه ۶۳۵.

باید هفت بار، توسط زائران خانه خدا، پیموده شود.

در تاریخ چنین آمده است که زمانی مردم عرب از این شعار الهی غفلت کرده و در انجام آن کوتاهی می‌کردند به طوری که برای مسجد الحرام و خانه کعبه احترام قائل بوده و حول آن طواف می‌کردند، اما برای صفا و مروه اهمیتی قائل نبودند.

یکی از مورخین و اهل لغت به نام فزّاء، چنین می‌گوید:

«كَانَتْ عَامَّةُ الْعَرَبِ لَا يَرُونَ الصَّفَاءَ وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ الْحَجِّ  
وَلَا يَطُوفُونَ بِهِمَا»<sup>(۱)</sup>.

عموم اعراب، صفا و مروه را جزو شعائر حج نمی‌دانستند و سعی صفا و مروه را به جانمی‌آوردند.

هنگامی که اعراب از انجام وظیفه خود مبنی بر سعی صفا و مروه خودداری کردند، این آیه نازل شد و آنان را از غفلت در تعظیم شعائر الهی منع کرد.

﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا﴾<sup>(۲)</sup>.

صفا و مروه از شعائر [و نشانه‌های] خدا است بنابراین کسانی که حج خانه‌ی خدا و یا عمره انجام می‌دهند، مانعی نیست که بر آن دو طواف کنند.

با نزول این آیه، مردم عرب، دو کوه صفا و مروه را به عنوان شعائر الهی پذیرفتند. به دلیل اهمیت موضوع، آیه دیگری نیز در این زمینه نازل شد:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهُدْيَ

۱. از منابع اهل سنت: تفسیر رازی، جلد ۱۱، صفحه ۱۲۸؛ زاد المسیر، جلد ۲، صفحه ۲۳۲.

۲. سوره بقره، آیه ۱۵۸.

وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ  
وَرِضْوَانًا ﴿١﴾.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شعائر و حدود الهی [و مراسم حج را محترم بشمارید و مخالفت با آنها] را حلال ندانید و نه ماه محرم و نه قربانی‌های بی‌نشان و نشان‌دار را و نه آنها را که به قصد خانه خدا برای به دست آوردن فضل پروردگار و خشنودی او می‌آیند. این آیه به مردم تذکر می‌دهد که حق ندارید نسبت به این شعائر الهی بی‌حرمتی کنید. بی‌حرمتی به معنای بی‌اعتنایی است؛ یعنی حق ندارید مثل گذشتگان - در دوران جاهلیت - مسجدالحرام را طواف کرده اما از سعی صفا و مروه سرباز زنید.

ب - نشانه و شعار دیگری که قرآن از آن یاد کرده، عملی است که در حج قرآن انجام می‌شود. حج قرآن، نوعی از حج است که فقط برای افراد خاصی واجب می‌شود. یکی از خصوصیات حج قرآن آن است که زائر خانه‌ی خدا باید یک شتر یا قربانی به اسم بُدْن یا بَدَنه را که علامت‌گذاری کرده است، همراه خود ببرد. در صورتی که این قربانی شتر باشد، طبق دستور باید کوهان آن را زخمی کند تا خون جاری شود و به همین حالت شتر را همراه ببرد.

خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

﴿وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِّنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ﴾ (٢).

و شترهای چاق و فربه را [در مراسم حج] برای شما از شعائر الهی قرار دادیم؛ در آنها برای شما خیر و برکت است.

١. سوره مائده، آیه ٢.

٢. سوره حج، آیه ٣٦.

ج - یکی دیگر از شعائر الهی، خود مشعر الحرام است. مشعر محلی است که وقوف حاجی در آن، جزو ارکان حج به شمار می‌رود و اگر زائری توفیق وقوف اختیاری یا حتی اضطراری در مشعر الحرام را نداشته باشد، حجاجش باطل خواهد بود<sup>(۱)</sup>.

### عزاداری و تعظیم اهل بیت علیهم‌السلام

با جمع بندی مطالب اخیر، به این نتیجه می‌رسیم که تعظیم شعائر الهی، یکی از وظایف مهم مسلمانان می‌باشد که باید با تظاهر و ابراز، در بزرگداشت آنها بکوشند و از هر گونه سُستی و غفلت در این امور جداً خودداری کنند. نکته مهمی که باید به تبیین آن پرداخت مسئله عزاداری برای حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام است. در این جا این سؤال به ذهن می‌رسد که وقتی یک شتر زخمی یا یک بیابان یا دو کوه، از شعائر الهی محسوب می‌شوند چرا عزاداری برای آن حضرت علیه‌السلام جزء شعائر الهی نباشد؟ علاوه بر اینکه در ابتدای بحث روشن شد اهل بیت پیامبر اکرم علیهم‌السلام از مهم‌ترین شعائر الهی هستند.

نکته مهم دیگری که در اینجا مطرح است، آن است که بکاء (گریستن)، ابکاء (گریاندن) و تباکی (به حالت گریه درآمدن) بر مصائب حضرت امام حسین علیه‌السلام، مورد توصیه اکید قرار گرفته است. حضرات ائمه علیهم‌السلام، خود به این توصیه عمل می‌نموده‌اند و در مصیبت جدشان علیه‌السلام به شدت می‌گریسته‌اند؛ آن هم نه بکاء معمولی، بلکه گریستنی که جاری شدن خون از چشمان باشد.

حضرت ولی عصر - ارواحنا لتراب مقدمه الفدا - در زیارت ناحیه مقدسه به

۱. المدارج الفقهية، الحج (الجزء الثالث)، ص ۹۷-۱۰۰ تألیف حضرت آیت الله بقری.

محضر جدّشان - حضرت امام حسین علیه السلام - چنین می فرماید:

« یا جدّاه! فلئن أخرجتني الدهور وعاقني عن نصرتك المقدور ولم  
أكن لِمَن حاربك محارباً ولمن نصب لك العداوة مناصباً، فلأندبتك  
صباحاً ومساءً ولأبكينّ عليك بدل الدموع دماً حسرةً عليك وتأسفاً  
وتحسراً على ماهاك وتلهّفاً، حتّى أموت بلوعة المصاب وغمّة  
الاكتياب»<sup>(۱)</sup>.

ای جدّ بزرگووارم! اگر روزگار مرا به تأخیر انداخت و از اینکه  
بتوانم تو را در کربلا یاری کنم، محروم شدم و در کربلا نبودم تا با  
دشمنان تو بجنگم و از تو یاری و حمایت کنم، پس هر صبح و  
شام برای تو ندبه می کنم و به جای اشک، خون گریه می کنم و به  
خاطر سوز دلم، از آنچه که بر سر تو و خانواده تو وارد آمد، آنقدر  
اشک می ریزم و آن قدر خون گریه می کنم تا اینکه از سوز دل و  
غصه بمیرم.

این بیانات امام عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - است، که در هر شب  
جمعه که ایشان علیه السلام در کنار مضجع جدّ بزرگووارشان می ایستند، این عبارات را  
تلاوت می کنند!

مطلب دیگری که بیان آن ضروری است، خون گریه کردن امام زمان - عجل  
الله تعالی فرجه الشریف - به همراه لوعه و سوز و آتش درون ایشان علیه السلام در  
مصیبت جدّشان می باشد. این امر بیانگر اوج عزاداری و اندوه ایشان علیه السلام و تعظیم  
و تکریم حضرت سیدالشهداء علیه السلام است.

۱. بحار الأنوار، جلد ۹۸، صفحه ۲۳۸؛ المزار محمد بن مهدی، صفحه ۵۰۱.

نکته دقیق و ظریف دیگری که از بیانات و حالات امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - به دست می‌آید، این است که اهمیت جاری شدن خون از چشم به واسطه گریه کردن بر مصائب اهل بیت علیهم السلام، خیلی بالاتر و مهم‌تر از جاری شدن خون از سایر اعضای بدن از جمله سر و سینه و کمر - به واسطه زنجیر و سینه زدن و ... - می‌باشد.

### اهمیت زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام

یکی دیگر از مصادیق تعظیم اهل بیت علیهم السلام، زیارت کردن قبور آن پاکان علیهم السلام است؛ عملی که در روایات متعدد و معتبر، مورد تأکید فراوان قرار گرفته است. در این میان، زیارت حرم مطهر حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام دارای اهمیت و تأکید خاصی است. به طوری که در اکثر روایات، ثواب زیارت حرم آن حضرت علیه السلام همراه با معرفت ایشان علیه السلام، داخل شدن در بهشت ابدی دانسته شده است. برخی از این روایات، چنین است.

الف - عبدالله بن نجار می‌گوید، حضرت امام صادق علیه السلام به من فرمودند:

« تزورون الحسین علیه السلام و ترکیبون السفن؟ فقلتُ: نعم! فقال: أما عملت أنه إذا انكفت بكم نودیتم؛ ألا طبتُم و طابت لكم الجنة؟<sup>(۱)</sup> .

آیا برای زیارت حضرت امام حسین علیه السلام به کشتی سوار می‌شوید و به زیارت آن حضرت علیه السلام می‌روید؟ عرض کردم: بلی! حضرت علیه السلام فرمودند: آیا می‌دانی هرگاه کشتی شما در دریا واژگون شود، منادی ندا می‌دهد: آگاه باشید! خوشا به حال شما، بهشت بر شما گوارا باد!

۱. کامل الزیارات، صفحه ۲۵۸؛ بحار الأنوار، جلد ۹۸، صفحه ۲۵.

از مضمون حدیث چنین بر می آید که زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام حتی با وجود خطر جانی، ساقط نمی شود؛ لذا داستان و قضیه حضرت اباعبدالله علیه السلام با همه قضاایا و حوادث تاریخی دیگر، حتی با حوادث و قضاایای سایر حضرات معصومین علیهم السلام متفاوت است. این مطلب، نشانگر عظمت و مقام آن حضرت علیه السلام می باشد.

تعالیم حضرات ائمه علیهم السلام درباره وجود مقدس حضرت سیدالشهدا علیه السلام، باورهای مردم را شکل داده و هنرمندان را به سوی بیان هنرمندانه‌ی آن، سوق داده است. از جمله یکی از شعرا، با در نظر گرفتن فضائل بی‌همتای حضرت امام حسین علیه السلام چنین می‌سراید:

۱۱

منزّه عن شريك في محاسنه فجوهر الحُسن فيه غير منقسم<sup>(۱)</sup>  
 حضرت سیدالشهدا علیه السلام در محاسن و خوبی‌ها شریک و همتایی ندارد و مایه و اساس خوبی که در حضرت امام حسین علیه السلام وجود دارد، قابل تقسیم با دیگران نیست و مختص ایشان علیه السلام است.

ب - عبدالله بن بکیر می‌گوید: به حضرت امام صادق علیه السلام عرض کردم:  
 «إني أنزل الأرجان<sup>(۲)</sup> وقلبي ينازعني إلى قبر أبيك فإذا خرجت فقلبي مشفق حتى أرجع خوفاً من السلطان والسعاة وأصحاب المسالِح .  
 فقال علیه السلام: يا بن بکیر! أما تحب أن يراك الله فينا خائفاً؟ أما تعلم أنه من خاف لخوفنا، أظله الله في ظلّ عرشه وكان محدّثه الحسين علیه السلام  
 تحت العرش وأمنه الله من أفزاع القيامة يفزع الناس ولا يفزع فإن فزع

۱. الأنوار البهية، صفحہ ۳۵.

۲. ارجان، نقطه‌ای در نزدیکی کربلاست.

وَقَرَّتْهُ [قَوَّتْهُ] الْمَلَائِكَةُ وَسَكَنَتْ قَلْبَهُ بِالْبَشَارَةِ»<sup>(۱)</sup>.

من به شهر ارجان وارد شده و در آنجا ساکن شدم ولی قلب و دلم آرزوی زیارت قبر مطهر پدر بزرگوارتان را داشت، لذا از شهر به قصد زیارت آن جناب خارج شدم اما دلم ترسان و لرزان بود و از خوف و ترس سلطان و خبرچینان و عمال وی و مرزبانان، تا زمان مراجعت، در وحشت و دهشت بودم. حضرت عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: ای فرزند بکیر! آیا دوست نداری که خداوند تو را از کسانی که در راه ما ترسان و خائف می‌باشند، محسوب فرماید؟ آیا می‌دانی کسی که به خاطر خوف ما خائف باشد، حق تعالی او را در سایه عرش مکان دهد و در زیر عرش، حضرت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ هم صحبت‌اش می‌باشد و حق تعالی او را از فزع‌های روز قیامت در امان می‌دارد. مردم به فزع و جزع آمده ولی او فزع نمی‌کند، پس اگر فزع کند فرشتگان آرام‌اش کرده و به واسطه‌ی بشارت دادن، قلب‌اش را ساکت و ساکن می‌نمایند.

ج - زرارة بن أعین چنین نقل می‌کند:

به حضور حضرت امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ شرفیاب شدم و عرض کردم:

« ما تقول فيمن زار أباك على خوفٍ؟ قال عَلَيْهِ السَّلَامُ: يؤمنه الله يوم الفزع

الأكبر وتلقاه الملائكة بالبشارة ويقال له: لا تخف ولا تحزن هذا

يومك الذي فيه فوزك! »<sup>(۲)</sup>.

۱. کامل‌الزیارات، صفحه ۲۴۳؛ بحار الأنوار، جلد ۹۸، صفحه ۱۱.

۲. کامل‌الزیارات، صفحه ۲۴۲؛ بحار الأنوار، جلد ۹۸، صفحه ۱۰.

درباره کسی که با خوف و هراس پدر شما (حضرت امام حسین علیه السلام) را زیارت کند، چه می فرمایید؟ حضرت علیه السلام فرمودند: خداوند در روزی که فزع اکبر و هول و درماندگی عظیم است، او را امان دهد و فرشتگان با بشارت، ملاقات اش می کنند و به او گفته می شود: نترس و غمگین نباش! امروز، روز رستگاری توست.

### استثنائاتی در فقه

علم فقه، علمی است که در آن احکام و قوانین دینی بیان می شود؛ احکامی که تمام مسلمانان به شکل یکنواخت، مورد نظر قرار می گیرند و جز برخی موارد خاص، استثنایی وجود ندارد. نکته‌ی قابل توجه این که احکام فقهی وقتی نسبت به سید الشهدا حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام، ملاحظه می شوند، به گونه‌ای متفاوت دیده می شوند. برای توضیح این مطلب باید گفت:

چنانچه می دانیم، اگر انسان بخواهد به سفر حرامی برود؛ به عبارت دیگر سفرش سفر معصیت باشد، باید نمازهای چهار رکعتی خود را تمام بخواند و نمی تواند شکسته به جا بیاورد. یکی از مصادیق سفر معصیت آن است که انسان بدانند در صورت سفر، خطری او را تهدید می کند. به عنوان نمونه، اگر کسی با اینکه مستطیع - دارای توان مالی - است؛ احتمال دهد که در صورت مشرف شدن به حج، خطری متوجه او خواهد شد، در این صورت وجوب حج از او ساقط می شود و نباید به این سفر برود. بعضی از فقها در این مورد چنین فتوا داده اند که اگر چنین شخصی - با احتمال وجود خطر - به سفر حج برود، حج او اشکال داشته

و باطل است (هر چند بعضی از فقها قائل به صحت چنین حجی هستند). این مسأله در مورد حضرت سیدالشهداء علیه السلام به نحو دیگری است؛ یعنی خوف و احتمال خطر در سفر زیارتی حضرت علیه السلام، نه تنها موجب حرمت آن سفر و عدم قصر نماز نمی‌شود، بلکه چنین سفری راجح بوده و مورد توصیه‌ی ائمه اطهار علیهم السلام می‌باشد.

با این بیان، روشن شد که سفر توأم با احتمال خطر و ضرر، برای زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام، نه تنها احکام سفر معصیت را ندارد، بلکه اساساً نام سفر معصیت را نداشته و علاوه بر این، سفر مستحب و عبادت نیز هست. پس احکام فقهی سفر حرام، در سفر زیارتی حضرت امام حسین علیه السلام رنگ باخته و تبدیل به احکام دیگری می‌شوند.

اگر کسی فقیه باشد، به خوبی می‌داند که در سرتاسر فقه - از باب طهارت و صلاة تا باب دیات - درباره‌ی حضرت امام حسین علیه السلام مسائل خاصی داریم؛ برای نمونه، هر چند در نماز، سجده بر سنگ و چوب و خاک و ... صحیح است؛ ولی طبق نظر تمام فقها، سجده بر تربت حضرت علیه السلام ثواب نماز را چندین برابر می‌کند. معاویة بن عمار چنین نقل می‌کند:

«کان لأبي عبدالله علیه السلام خريطةٌ ديباجٍ صفراء، فيها تربةُ أبي عبدالله علیه السلام، فكان إذا حضرت الصلاة، صبّه على سجّادته وسجد عليه ثم قال علیه السلام: السجود على تربة الحسين علیه السلام يخرق الحجب السابع»<sup>(۱)</sup>.

۱. بحار الأنوار، جلد ۸۲، صفحه ۱۵۳؛ جامع احادیث شیعه، جلد ۵، صفحه ۲۶۷.

حضرت امام صادق علیه السلام پارچه دیبای<sup>(۱)</sup> زرد رنگی داشتند که در آن تربت حضرت سیدالشهدا علیه السلام بود، وقتی که موقع نماز می شد، حضرت علیه السلام تربت جدّ بزرگوارشان علیه السلام را بر روی سجاده می ریختند و بر آن سجده می نمودند و می فرمودند: سجده بر تربت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام، حجابها و موانع هفت گانه را پاره می کند.

طبق نظر اهل ادب، واژه «کان» در حدیث، دلالت بر استمرار کار دارد؛ یعنی که حضرت امام صادق علیه السلام هر وقت مشغول نماز می شدند، از تربت امام حسین علیه السلام برای سجده استفاده می کردند و این کار همیشگی ایشان علیه السلام بوده و اختصاص به زمان و مکان خاصی نداشته است.

همچنین در روایت دیگری چنین آمده است:

«السجود علی طین قبر الحسین علیه السلام، ینور إلى الأرض السابعة»<sup>(۲)</sup>.  
سجده بر خاک قبر حضرت امام حسین علیه السلام، نوری می بخشد که روشنایی آن تا زمین هفتم می رسد.

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در فرازهایی از مناجات شعبانیه چنین می فرمایند:

«وَأَنْزِرْ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ حَتَّى تَخْرِقَ أَبْصَارُ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعَظْمَةِ وَتَصِيرَ أَرْوَاحُنَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ»<sup>(۳)</sup>.

۱. نوعی پارچه ابریشمی رنگین. (فرهنگ معین)

۲. من لایحضره الفقیه، جلد ۱، صفحه ۲۶۸.

۳. مفاتیح الجنان، مناجات شعبانیه.

[خدایا!] دیده‌های دل‌مان را با نور توجّه‌شان به سوی خود، روشن گردان تا دیده‌های دل، پرده‌های نور را پاره کند و به معدن و منشأ بزرگی و عظمت برسد و ارواح ما به عزت قدسات، آویخته گردد.

سجده بر تربت حضرت امام حسین علیه السلام نیز در دل‌ها و قلوب چنین تأثیری می‌گذارد و پرده‌های نور را پاره می‌کند.

از رهگذر خاک سر کوی شما بود هر نافه که در دست نسیم سحر افتاد یعنی منشأ هر بوی خوشی که به مشام می‌رسد کربلا و تربت حضرت ابا عبدالله علیه السلام است.

۳. یکی دیگر از احکام نماز این است که مکلفین، در وطن خویش نماز را تمام و در سفر به صورت قصر و شکسته به جا می‌آورند؛ اما براساس تعالیم اهل بیت علیهم السلام چهار مکان وجود دارد که از آنها به عنوان «اماکن تخییر» یاد می‌شود. انسان مکلف، در این چهار مکان می‌تواند یکی از دو روش اتمام و قصر را برای خواندن نماز، برگزیند.

از جمله مکان‌هایی که انسان در آنها بین نماز تمام و شکسته مخیر است، مسجد الحرام، مسجد کوفه و مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم است و انسان مختار است در این مساجد، نمازهای چهار رکعتی خود (مثل نماز ظهر عصر و عشاء) را به صورت چهار رکعتی یا دو رکعتی بخواند. تمام این مکان‌ها، مسجد هستند و تنها مکانی که مسجد نبوده ولی باز هم به مخیر بودن انسان در تمام یا شکسته خواندن نمازهای چهار رکعتی، حکم شده، حرم حضرت امام حسین علیه السلام است و این یکی دیگر از ویژگی‌ها و خصوصیات حضرت امام حسین علیه السلام است. حضرت امام

صادق عليه السلام در روایتی چنین می‌فرماید:

« من مخزون علم الله الإتمام في أربعة مواطن: حرم الله وحرم

رسوله صلى الله عليه وآله وسلم وحرم أمير المؤمنين عليه السلام وحرم الحسين عليه السلام »<sup>(۱)</sup>.

از علوم نهانی و اسرار مخفی حق تعالی، آن است که نماز را در

چهار مکان تمام می‌خوانند: حرم خدا (مسجد الحرام)، حرم

رسول خدا (مسجد النبی صلى الله عليه وآله وسلم)، حرم امیرالمؤمنین عليه السلام (مسجد

کوفه) و حرم حضرت امام حسین عليه السلام.

۴. طبق آنچه که در رساله‌های عملیه آمده و فقها فتوا داده‌اند، خوردن خاک و

گل، جایز نبوده و حرام است؛ اما خوردن تربت حضرت امام حسین عليه السلام نه تنها از

این حکم استثنا شده، و حرمت ندارد، بلکه مستحسن و نیکو شمرده شده است.

حضرت امام کاظم عليه السلام می‌فرماید:

« أكل الطين حرام مثل الميتة والدم ولحم الخنزير إلا طين

الحسين عليه السلام، فإن فيه شفاء من كل داءٍ وأمناً من كل خوفٍ »<sup>(۲)</sup>.

خوردن خاک حرام است همان طوری که خوردن مردار و خون و

گوشت خوک حرام است؛ مگر تربت قبر حضرت امام

حسین عليه السلام، زیرا در آن شفا از هر دردی و امان از هر خوف و

هراسی است.

حارث بن مغیره نصری می‌گوید: به محضر حضرت امام صادق عليه السلام عرض

کردم:

۱. تهذیب الأحکام، جلد ۵، صفحه ۴۳۰؛ بحار الأنوار، جلد ۸۶، صفحه ۷۷.

۲. کامل الزیارات، صفحه ۴۷۸؛ بحار الأنوار، جلد ۵۷، صفحه ۱۵۴.

«إني رجل كثير العلل والأمراض وما تركت دواء إلا تداويت به ، فقال عليّ: لي: فأين أنت عن تربة قبر الحسين عليّ؟! فإن فيها الشفاء من كلّ داء والأمن من كلّ خوف وقل إذا أخذته: اللهم إني أسألك بحقّ هذه الطينة وبحقّ الملك الذي أخذها وبحقّ النبي صلّى الله عليه وآله الذي قبضها وبحقّ الوصي الذي حلّ فيها، صلّ على محمّد صلّى الله عليه وآله وأهل بيته عليّ، واجعل لي فيها شفاء من كلّ داء وأماناً من كلّ خوف. قال: ثمّ قال عليّ: إنّ الملك الذي أخذها، فهو جبرئيل عليّ وأراها النبي صلّى الله عليه وآله، فقال: هذه تربة ابنك هذا، تقتله أمّتك من بعدك، والنبي الذي قبضها، فهو محمّد رسول الله صلّى الله عليه وآله، وأمّا الوصي الذي حلّ فيها، فهو الحسين بن عليّ عليّ سيّد الشهداء. قلت: قد عرفت الشفاء من كلّ داء، فكيف الأمان من كلّ خوف؟ قال عليّ: إذا خفت سلطاناً أو غير ذلك فلا تخرجنّ من منزلك إلا ومعك من طين قبر الحسين عليّ وقل إذا أخذته: اللهم إنّ هذه طينة قبر الحسين عليّ وليك وابن وليك، اتخذتها حرزاً لما أخاف ولما لا أخاف، فإنّه قد يرد عليك ما لا تخاف. قال الرجل: فأخذتها كما قال عليّ، فصحّ والله! بدني، وكان لي أماناً من كلّ ما خفت وما لم أخف، كما قال عليّ، فما رأيت بحمد الله بعدها مكروهاً»<sup>(۱)</sup>.

من مردی مبتلا به بیماریهای فراوان هستم و هیچ دوائی نیست مگر آنکه آن را مصرف کرده و به منظور مداوا خورده‌ام، ولی بهبودی برایم حاصل نشده است. حضرت علیّ به من فرمودند:

۱. بحار الأنوار، جلد ۹۸، صفحه ۱۱۸؛ کامل الزیارات، صفحه ۴۷۳.

چرا از تربت سیدالشهدا علیه السلام غافل هستی؟ در آن شفا از هر دردی و امن از هر خوف و هراسی است، زمانی که خواستی آن را بخوری، بگو: خدایا! از تو می خواهم به حق این تربت و به حق فرشته ای که آن را اخذ نموده و به حق پیامبری که آن را قبض کرده و به حق وصیی که در آن حلول نموده، درود فرست بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت ایشان علیهم السلام و در آن برای من، شفا از هر دردی و امان از هر خوف و هراسی قرار بده! راوی می گوید: سپس حضرت علیه السلام فرمودند: فرشته ای که تربت را اخذ کرد، جبرئیل علیه السلام بود و آن را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نشان داده و گفت: این تربت فرزندان حسین علیه السلام است، بعد از تو، امتات او را می کشند؛ و پیامبری که آن تربت را قبض نمود، وجود مبارک حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم می باشد؛ اما وصیی که در آن حلول کرده، حضرت حسین بن علی علیه السلام می باشد که سرور و آقای شهیدان است. سپس محضر مبارک ایشان علیه السلام عرض کردم: معنی این را که تربت، شفا از هر دردی است، دانستم؛ اما چگونه تربت امان از هر خوف و هراسی است؟ حضرت علیه السلام فرمودند: هرگاه از سلطانی خوف داشتی یا خوفی دیگر در تو پیدا شد، از منزلت بیرون نیا مگر آنکه مقداری از تربت قبر جدم، حضرت سیدالشهدا علیه السلام، همراه تو باشد و هنگامی که آن را برداشتی، بگو: خدایا! این تربت قبر حسین علیه السلام ولی و فرزند ولی تو است، آن را به منظور حفظ از آنچه خوف دارم و آنچه خوف ندارم،

برداشته‌ام. البته این فقره یعنی «از آنچه خوف ندارم» را نیز بگو، زیرا گاهی ابتلائات و حوادثی برای تو پیش می‌آید که از آنها خوف و هراسی نداشتی و احتمال پیش آمدن‌اش را نمی‌دادی. راوی می‌گوید: سپس تربت را به همان طوری که حضرت علیه السلام دستور فرموده بودند، برداشتم؛ به خدا سوگند! بدن‌ام صحت و بهبودی یافت و مرا از تمام آنچه می‌ترسیدم و نمی‌ترسیدم، ایمنی بخشید؛ همان‌گونه که حضرت علیه السلام فرموده بودند و پس از آن بحمدالله، هیچ امر مکرره و ناگواری برایم پیش نیامد.

۵. یکی از موضوعات مطرح در فقه، ضرر وارد کردن بر نفس است. برای این موضوع، می‌توان تقسیماتی را بیان کرد؛ از جمله ضرر به معنی جنایت بر نفس یا خودکشی. این نوع ضرر زدن بر نفس، براساس نظر فقها جائز نیست؛ مثلاً کسی حق ندارد خود را با چاقو بزند و خودکشی کند یا خود را بالای مکان مرتفعی، به زیر اندازد.

﴿وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾<sup>(۱)</sup>.

و خود را به دست خود به هلاکت نیفکنید.

نوع دیگر ضرر، آسیب رساندن به جسم است طوری که باعث مرگ نگردد؛ مانند آن که کسی بدن خود را مجروح کند. این کار نیز براساس نظر فقها، ممنوع می‌باشد.

اما در مورد سید الشهداء حضرت امام حسین علیه السلام، حکم ضرر متفاوت می‌شود. اضرار به نفس و آسیب رساندن به بدن، در عزاداری حضرت سید الشهداء علیه السلام،

۱. سوره بقره، آیه ۱۹۵.

استثناء گردیده است. اگر کسی در عزاداری، با استفاده از دست یا زنجیر، بدن خود را مجروح نماید، اشکالی ندارد، گرچه این امر در موارد دیگر، حرام است.

### اهل بیت علیهم السلام و عزاداری سیدالشهدا علیه السلام

مصیبت سید الشهدا علیه السلام برای اهل بیت علیهم السلام بسیار سنگین بوده است. این مطلب را می توان به وضوح از رفتار و گفتار آنان علیهم السلام دریافت.

حضرت امام رضا علیه السلام در این باره می فرمایند:

«إِنَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ علیه السلام أَقْرَحُ جَفُونَنَا وَأَسْبَلُ دُمُوعَنَا»<sup>(۱)</sup>.

همانا مصیبت حضرت امام حسین علیه السلام پلک چشم ما را زخمی و

اشک های ما را جاری کرده است.

همچنین حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - در زیارت ناحیه

مقدسه می فرمایند:

«لَأَبْكِيَنَّ عَلَيْكَ بَدَلَ الدَّمِوعِ دَمًا»<sup>(۲)</sup>.

همانا به یقین به جای اشک، برایت خون گریه می کنم.

حضرت امام صادق علیه السلام در مورد جدّ بزرگوارشان، حضرت امام زین

العابدین علیه السلام، چنین می فرمایند:

«وَكَانَ إِذَا أَخَذَ إِنَاءً يَشْرَبُ مَاءً بَكَى حَتَّى يَمْلَأَهَا دَمْعًا»<sup>(۳)</sup>.

هرگاه آن حضرت علیه السلام کاسه ای برای نوشیدن آب بر می داشتند،

آن قدر گریه می کردند که ظرف آب، پر از اشک می شد.

۱. بحار الأنوار، جلد ۴۴، صفحه ۲۸۴؛ مناقب ابن شهر آشوب، جلد ۳، صفحه ۳۳۸.

۲. بحار الأنوار، جلد ۹۸، صفحه ۲۳۸؛ المزار محمد بن مهدی، صفحه ۵۰۱.

۳. بحار الأنوار، جلد ۴۶، صفحه ۱۰۹؛ مناقب ابن شهر آشوب، جلد ۳، صفحه ۳۰۳.

یکی از دعاهای منصوص و متقن، که همه‌ی مضامین آن مطابق با روایات صحیح است، دعای ندبه<sup>(۱)</sup> می‌باشد. در فرازهایی از این دعای شریف، چنین آمده است:

فَعَلَى الْأَطَائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا  
فَلْيَبْكِ الْبَاكُونَ وَيَأْتَهُمْ فَلْيَنْدُبِ النَّادِبُونَ وَلْيَمِثْلِهِمْ فَلْيَتَذَرِفِ الدَّمُوعُ  
وَلْيَصْرُخِ الصَّارِحُونَ وَيَصْخِرِ الضَّاجُونَ وَيَعِجَّ الْعَاجُونَ أَيَّنَ الْحَسَنُ؟  
أَيَّنَ الْحُسَيْنُ؟ أَيَّنَ أَبْنَاءُ الْحُسَيْنِ؟ ... هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَأُطِيلَ مَعَهُ الْعَوِيلَ  
وَالْبُكَاءَ هَلْ مِنْ جَزُوعٍ فَأَسَاعِدَ جَزَعَهُ إِذَا خَلَا هَلْ قَدِيتَ عَيْنُ فُسَاعِدَتْهَا  
عَيْنِي عَلَى الْقَدَى»<sup>(۲)</sup>.

پس بر پاکیزگان از خاندان محمد و علی که درود خدا بر هر دو ایشان و آل‌شان باد، باید گریه‌کنندگان بگریند و بر آنها باید زاری کنندگان زاری کنند و برای امثال آنها باید اشک‌ها روان گردد و فریاد زندگان، فریاد زنده و شیون کنندگان، شیون کنند و خروش کنندگان خروش سردهند، کجاست حسن علیه السلام؟ و کجاست حسین علیه السلام؟ و کجایند فرزندان حسین علیه السلام.... آیا کمک‌کاری هست که با او فریاد و گریه را طولانی کنم؟ آیا بی‌تابی (مثل من) هست که چون به خلوت رود، در زاری و جزع کمک‌اش کنم؟ آیا چشمی هست که خار فراق در آن فرو رفته و گریان باشد، تا چشم پرخار من نیز یاری‌اش دهد؟

۱. بحار الأنوار، جلد ۹۹، صفحه ۱۰۸؛ المزار، صفحه ۵۸۲؛ اقبال الاعمال، جلد ۱، صفحه ۵۱۱.  
۲. مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

گاهی تصور می‌شود که عباراتی مثل خون‌گریه کردن، جزع کردن، فریاد زدن و ... از مقام غلو و اغراق است ولی مکرر گفته‌ایم که ساحت مقدس حضرات معصومین علیهم‌السلام - همان طور که از دروغ مبرّأ است - از اغراق گویی و غلو نیز پاک و مبرّأ است و آنچه ایشان علیهم‌السلام بر زبان مبارکشان جاری می‌کنند، عین حق و واقع است. از این گذشته، شیخ طوسی در تهذیب از حضرت امام صادق علیه‌السلام درباره‌ی نوع و شدت عذاراری و مصائب حضرت امام حسین علیه‌السلام، روایتی طولانی نقل کرده است که ما به فراز مختصری از آن اشاره می‌کنیم:

«وقد شققن الجيوب ولطمن الخدود الفاطميات على الحسين بن

علي عليه‌السلام وعلى مثله تلطم الخدود وتشق الجيوب»<sup>(۱)</sup>.

همانا گریبان دریدند و بر گونه‌ها لطمه زدند فاطمیات (دختران زهرا علیها‌السلام)، بر حسین بن علی علیه‌السلام و بر چنین بزرگمردی باید به گونه‌ها لطمه زد و گریبان درید.

یکی دیگر از مطالب فقهی این است که اگر کسی صورت خود را خراش دهد یا پیشانی را بشکافد یا در مصیبتی لباس پاره کند، مرتکب حرام شده است و دیه دارد؛ ولی انجام این امور در عذاراری حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام جایز و راجح است. دلیل این استثناء، علاوه بر روایت مذکور، جزع و ناله‌ی حضرت زینب کبری علیها‌السلام در عذاراری حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام می‌باشد که قسمتی از آن را بیان می‌کنیم تا سند و حجتی بر کلام ما باشد.

علامه مجلسی رحمته‌الله از منابع متعدد و معتبر و نیز از منابع اهل سنت، چنین نقل

می‌کند:

۱. تهذیب الأحکام، جلد ۸، صفحه ۳۲۵.

وقتی اسرا را به کوفه وارد کردند، حضرت ام کلثوم علیها السلام مشغول سخنرانی شدند. ناگهان برای این که از سخنرانی ایشان جلوگیری کنند، دستور دادند تا سرهای بریده را جلوی اسرا ببرند.

«فإذا هم أتوا بالرؤوس يُقدّمهم رأس الحسين عليه السلام وهو رأس زهري قمری أشبه الخلق برسول الله صلى الله عليه وسلم ولحيته كسواد السبج قد انتصل منها الخضاب، ووجهه دائرة قمر طالع والرمح تلعب بها يميناً وشمالاً فالتفت زينب عليها السلام فرأت رأس أخيها فتطحت جبينها بمقدّم المحمل، حتى رأينا الدم يخرج من تحت قناعها»<sup>(۱)</sup>.

ناگهان سر شهیدان را که سر مبارک حضرت امام حسین عليه السلام در جلو آنان بود، آوردند و آن، سری نورانی و شبیه ماه و شبیه ترین مردم به رسول خدا صلى الله عليه وسلم بود، رنگ خضاب از محاسن شریف آن حضرت عليها السلام رفته بود. صورت ایشان عليهم السلام مثل گردی ماه تابان بود. نیزه دار سر مبارک آن حضرت عليها السلام را به طرف راست و چپ حرکت می داد. هنگامی که حضرت زینب عليها السلام متوجه سر مبارک برادر بزرگوارشان شدند، پیشانی خود را به نحوی به جلو محمل زدند که دیدیم خون از زیر مقنعه آن بانو عليها السلام خارج شد.

و چون این عمل حضرت زینب عليها السلام در حضور حضرت امام سجاد عليه السلام واقع شد، سند و حجت شرعی است. از سوی دیگر، حضرت زینب عليها السلام نماینده و در رتبه بعد از معصوم عليه السلام بودند طوری که حضرت سیدالشهدا عليه السلام برای مدتی ودایع امامت را به ایشان تحویل دادند.

۱. بحار الأنوار، جلد ۴۵، صفحه ۱۱۵؛ از منابع اهل سنت: ينابيع المودة، صفحه ۴۷۱.

حضرت امام زین العابدین علیه السلام در مورد عمه بزرگوارشان حضرت زینب علیها السلام می‌فرمایند:

«أنتِ بحمد الله عالمةٌ غير معلّمةٍ وفهّمةٌ غير مفهّمة»<sup>(۱)</sup>.

تو عالم و دانایی هستی که تعلیم و آموزش ندیده‌ای و اهل فهم و درکی هستی که فهماننده‌ای (بشری) نداشته‌ای.

این عبارت حضرت امام سجاد علیه السلام، بیانگر عظمت و مقام حضرت زینب کبری علیها السلام است.

از دیگر روایاتی که می‌توان برای جواز اضرار به نفس، در عزاداری حضرت سیدالشهدا علیه السلام به آن استناد نمود، روایت سید بن طاووس رحمته الله علیه در مقتل «لهوف» است که می‌گوید:

حضرت امام سجاد علیه السلام بشیر را صدا کردند و فرمودند: ای بشیر! پدر تو شاعر بود، آیا تو هم بهره‌ای از شعر داری؟ بشیر گفت: بلی یابن رسول الله! حضرت علیه السلام فرمودند: برو و ورود ما به مدینه را با شعر خواندن خبر بده. بشیر آمد و علمای در دست گرفت - وقتی عربها علم و پرچمی را به اهتزاز در می‌آوردند، علامت یک خبر مهم است - سپس شروع به فریاد زدن کرد وقتی مردم دور بشیر جمع شدند؛ از او پرسیدند: ای بشیر! چه خبر است؟ بشیر در جواب آنها گفت: همگی به مسجد بیایید تا شما را از خبر مهمی آگاه سازم. وقتی مردم به مسجد آمدند، بشیر روی منبر ایستاد و گفت:

يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ بِهَا قُتِلَ الْحُسَيْنُ فَأَدْمُعِي مَدْرَارَ  
الْجِسْمِ مِنْهُ بَكَرِبَاءَ مُضْرَجٍ وَالرَّأْسَ مِنْهُ عَلَى الْقَنَاةِ يُدَارُ

۱. احتجاج، جلد ۲، صفحه ۳۱؛ بحار الأنوار، جلد ۴۵، صفحه ۱۶۴.

یثربیان رخت زین دیار ببندید زانکه حسین کشته گشت وگریه کنمزار  
 پیکر پاکش به کربلا شده در خون بر سر نی سرش به کوچه و بازار  
 وقتی مردم مدینه این خبر را شنیدند:

«فما بقيت في المدينة مخدرةً ولا محجبةً إلا برزن من خدورهنّ  
 مكشوفةً شعورهنّ، مخمسةً وجوههنّ ضارباتٍ خدودهنّ يدعون  
 بالويل والثبور»<sup>(۱)</sup>.

هیچ زن پرده نشین و باحجابی در مدینه نماند مگر اینکه از پشت  
 پرده بیرون آمد در حالی که موهای خود را پریشان کرده و صورت  
 خود را خراش داده و به خود لطمه می زدند و صدای خود را به  
 واویلا بلند نموده بودند.

همه این‌ها بیانگر این است که در مورد حضرت امام حسین علیه السلام، در فقه  
 استثنائاتی وجود دارد. یکی از نتایج مطالبی که بیان شد، این است که صرخه،  
 نعره، فریاد و زاری در مصیبت حضرت سیدالشهدا علیه السلام مورد تأکید و توصیه‌ی  
 اهل بیت علیهم السلام است.

بنابراین با توجه به آنچه گذشت، باید به کسانی که می‌گویند در عزاداری نباید  
 بلند گریه کنید یا سینه زن‌ها، نباید لباس‌های خود را از تن در آورند، گفت: این  
 ادعا دلیل بر آن است که شما از علم و دانش بهره‌ای ندارید. از سوی دیگر چرا در  
 برنامه‌های مختلف ورزشی بدن‌های لخت و عربان مردان در مسابقات کشتی و  
 فوتبال نشان داده می‌شود و از نظر شما نظاره نمودن زنان و دختران به این‌گونه  
 برنامه‌ها و حتی حضور رقاصه‌ها در برنامه‌های مختلف اشکالی ندارد، ولی در

۱. اللهوف في قتلى الطفوف، صفحه ۱۱۵؛ بحار الأنوار، جلد ۴۵، صفحه ۱۴۷.

آوردن لباس برای عزاداری حضرت سیدالشهدا علیه السلام اشکال دارد؟  
از سوی دیگر مراسم عزای حضرت امام حسین علیه السلام را نمی‌توان با جعل قانون و بخشنامه محدود نمود. مردم در این گونه مراسم از دیرباز، تابع و پیرو بزرگان و مراجع تقلیدشان بوده‌اند و اکنون نیز هستند.

حضرت امام صادق علیه السلام در روایتی چنین می‌فرماید:

«اللهم ارحم تلك الصرخة التي كانت لنا»<sup>(۱)</sup>.

بار خدایا! به فریادهایی که به خاطر ما بلند شده، رحم فرما!  
از مجموع روایات مذکور معلوم می‌شود که مجالس عزاداری باید در انسان تحول ایجاد کند، اظهار جزع جزو وظایف شیعیان است.

### فتوای جواز ضرر به نفس

یکی از فقهای بزرگ شیعه به نام شیخ خضر بن شلال<sup>(۲)</sup>، درباره ضرر به نفس در عزاداری فتوایی داده است که بسیاری از فقهای دیگر نیز، همین فتوا را تأیید کرده‌اند. ایشان می‌گوید:

«الذي يستفاد من مجموع النصوص ومنها الأخبار الواردة في زيارة الإمام الحسين المظلوم علیه السلام ولو مع الخوف على النفس يجوز اللطم والجزع على الحسين علیه السلام كيفما كان حتى لو علم أنه يموت في نفس الوقت»<sup>(۳)</sup>.

از مجموع روایاتی که درباره زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام

۱. بحار الأنوار، جلد ۹۸، صفحه ۸؛ کامل الزیارات، صفحه ۲۲۹.

۲. آیت الله شیخ خضر بن شلال العفکاوای النجفی، متوفای سال (۱۲۵۵ هـ ق).

۳. فتاوی العلماء فی تشجیع الشعائر الحسينية، صفحه ۱۹.

حتی در صورت خوف بر نفس وارد شده است استفاده می شود  
جزع و گریه و زاری و صدمه زدن بر نفس در عزای آن  
حضرت علیه السلام جایز است حتی اگر عزادار بداند در اثر این کار  
خواهد مُرد.

از این فتوا استفاده می شود که اگر شخص عزادار بداند که در اثر سینه زدن و  
اظهار جزع کردن، و فشار آوردن به خود، ممکن است بمیرد، این عمل وی جایز  
و راجح است. لذا حضرت امام صادق علیه السلام به مسمع بن عبدالملک فرمودند:  
آیا تو می نشینی و بر ما جزع و گریه می کنی؟ گفت: بلی یابن رسول الله!  
حضرت علیه السلام فرمودند:

«رحمك الله دَمَعَتِكَ أَمَا إِنَّكَ مِنَ الَّذِينَ يَعِدُّونَ مِنْ أَهْلِ الْجَزَعِ لَنَا»<sup>(۱)</sup>.  
خدا رحمت کند اشک های تو را! بدان قطعاً تو از کسانی محسوب  
می شوی که به خاطر ما جزع نموده.

توجه به اطلاق «جزع» در روایت فوق، وجه فتوای مذکور را روشن می کند.

### ادای حق اهل بیت علیهم السلام

حضرت امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«ما من بأكِ يبكيه إلا وقد وصل فاطمة عليها السلام وأسعدها عليه و وصل  
رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم وأدى حقنا»<sup>(۲)</sup>.

هیچ کس برای حضرت امام حسین علیه السلام گریه نمی کند مگر اینکه با

۱. بحار الأنوار، جلد ۴۴، صفحه ۲۹۰؛ کامل الزیارات، صفحه ۲۰۳.

۲. بحار الأنوار، جلد ۴۵، صفحه ۲۵۷؛ کامل الزیارات، صفحه ۸۱.

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و با پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم اتصال و ارتباط برقرار کرده و حق ما را ادا نموده است.

نکته قابل توجه در این روایت آن است که انجام هیچ عملی غیر از اقامه عزای حضرت سیدالشهدا علیه السلام ادای حق اهل بیت علیهم السلام را به دنبال نخواهد داشت.

### تظاهر غیر از ریا است

گاهی اوقات، بعضی از افراد به گمان اینکه با انجام دادن کاری در جمع، دچار ریا می‌شوند، آن کار را ترک کرده و با این ملاک از حضور در برنامه‌هایی از جمله مجالس عزاداری، نماز جماعت، مجالس تسلیت و ختم خودداری می‌کنند. باید گفت که تظاهر در بعضی از عبادات نه تنها ریا نیست، بلکه نفس عمل مطلوب است؛ حتی اگر در این میان قصد قربت هم نباشد؛ لذا بعضی از واجبات است که تظاهر در ظاهر، در آن شرط شده است. با توجه به این نکته، شرکت در مجالس عزای، تسلیت و نماز جماعت نه تنها ریا نیست، بلکه جزو وظایف است و به هیچ وجه نباید از انجام این امور دست برداشت.

برگزاری مجالس عزای حضرت سیدالشهدا علیه السلام میراث گرانبهایی است که از گذشتگان و پدران ما به ارث رسیده است و ما هم انشاءالله آن را به نسل‌های آینده به شکل صحیح منتقل خواهیم کرد.

### عزاداری، بدعت یا سنت؟!

مطلب دیگری که باید به آن اشاره کنیم، این است که گاهی اوقات عده‌ای از مردم عزادار، به خاطر تمسخر، ریشخند و طعنه مخالفین و کفار، دست از

سنت‌های پسندیده و خوب در عزاداری برداشته و آنها را به دست فراموشی می‌سپارند.

باید گفت که این گونه رفتارهای مخالفین و کفار، همان کینه‌ای است که بنی امیه - لعنت الله علیهم اجمعین - نسبت به پیامبر ﷺ و خاندان مطهرشان ﷺ داشتند و ما همان گونه که با این گونه رفتارها و تمسخرها از نماز خواندن، روزه گرفتن و به جا آوردن حج و سایر واجبات خود، دست برنخواهیم داشت، از برگزاری مراسم عزاداری حضرت سیدالشهدا ﷺ نیز دست برنخواهیم داشت، هر چند در این راه کشته شویم و جان خود را از دست بدهیم.

حضرت زینب ﷺ در مجلس یزید لعنت الله علیه چنین فرمودند:

« فوالله! لا تمحو ذکرا ولا تمیت وحینا»<sup>(۱)</sup>.

به خدا سوگند! تو نمی‌توانی نام ما را محو کنی و نور وحی ما را خاموش کنی.

کاری که شیعیان در عزاداری‌ها انجام می‌دهند مشابه کاری است که حضرت امام سجاد ﷺ، انجام دادند؛ ایشان ﷺ به خانواده‌شان فرمودند: همه شما مشغول عزاداری شوید؛ سپس خود آن حضرت ﷺ، افرادی را مأمور طبخ غذا برای عزاداران نمودند. از اینجا می‌توان فهمید که انجام کارهایی همچون سینه زدن، غذا دادن، برافراشتن پرچم و علم عزا، لباس سیاه پوشیدن و ... نه تنها بدعت نیست، بلکه سنت است و همه این امور برگرفته از رفتار و روش حضرات معصومین ﷺ می‌باشد و وظیفه ما این است که این سنت‌ها را حفظ کرده و به نسل آینده منتقل کنیم.

۱. بحار الأنوار، جلد ۴۵، صفحه ۱۳۵.

## عزاداری؛ ذخیره آخرت

برحسب روایات، زمانی که انسان در بستر بیماری و فوت می‌افتد، حضرت عزرائیل علیه السلام برای قبض روح نزد شخص حاضر می‌شود. نکته مهمی که در اینجا خیلی مفید و نجات بخش است، آن است که انسان نباید تا دم مرگ، از ذکر و یاد اهل بیت علیهم السلام خصوصاً حضرت امام حسین علیه السلام دست بردارد. چون فقط این ناله و فریاد است که به درد انسان خواهد خورد. برای نمونه، وقتی یکی از علمای بزرگ را بعد از فوت‌شان، در خواب دیدند، از او پرسیدند: از این همه خدمت، تلاش، کار و زحمت چه چیزی به درد شما خورد و مفید بود؟ آن مرحوم در جواب چنین گفت: فقط صاحب این قبر دست‌ام را گرفت که همان حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و اهل بیت ایشان علیهم السلام هستند.

## غم نامه‌ی کاروان اسرا

در این قسمت از بحث، به بیان وقایع بعد از کربلا می‌پردازیم، تا بتوانیم با گوشه‌ای از مصائب وارده به اهل بیت علیهم السلام آشنا شده و در اندوه و حزن ایشان علیهم السلام شریک باشیم<sup>(۱)</sup>.

۱. راوی چنین نقل می‌کند: وقتی از حضرت امام سجاد علیه السلام سؤال شد که در طول سفر - از مدینه تا مدینه - کجا بیشتر به شما سخت گذشت، حضرت علیه السلام فرمودند: شام. راوی عرض کرد: یابن رسول الله! مگر در کربلا، پدر عزیزتان را

۱. برای یافتن منبع مصائب ذیل ر. ک: لهوف (سید ابن طاووس)؛ نفس المهموم (شیخ عباس) قمی؛ بحارالأنوار، جلد ۴۵.

به شهادت نرسانیدند؟! مگر در کربلا دستان حضرت ابوالفضل علیه السلام را قطع نکردند؟! مگر در کربلا فرق حضرت علی اکبر علیه السلام را نشکافتند؟! مگر در کربلا تیر به گلوی حضرت علی اصغر علیه السلام نزدند؟! پس چطور می فرمایید که سخت ترین جا برای شما، شام بود؟! حضرت علیه السلام فرمودند: تو نمی دانی در شام چه بلایی بر سر ما آوردند!

ابتدا به مدت سه شبانه روز، ما را روی مرکبها در پشت دروازه شهر نگاه داشتند تا آذین بندی شهر کامل شود و در این مدت، به یک عده زن و بچه داغ دیده، مصیبت زده و بیمار که روی شترها و مرکبها بودند، اجازه پیاده شدن ندادند. سپس دروازه شهر را باز کردند و ما را وارد شهر نمودند. ناگهان زنان شام شروع به رقص و پایکوبی و طبل زدن کرده و اظهار سرور و شادمانی نمودند، از بالای خانه ها به ما و به سرهای بالای نیزه ها سنگ زدند...».

۲. سهل بن سعد می گوید: من برای تجارت به شهر شام رفته بودم، دیدم شهر را آذین بسته اند، مردم خوشحال اند و پای کوبی می کنند. پرسیدم: چه خبر است؟ گفتند: یک گروه خارجی بر امیرالمؤمنین یزید لعنة الله علیه طغیان کردند، به همین جهت تعدادی از آنها را کشته و اسرای شان را به شام آورده اند. سهل می گوید: جلو رفتم تا صحنه را تماشا کنم؛ ناگهان با کمال تعجب، حضرت امام سجاد علیه السلام و حضرت زینب کبری علیهما السلام و فرزندان حضرت اباعبدالله علیه السلام را در بین اسرا دیدم!

به حضرت امام زین العابدین علیه السلام عرض کردم: آقای من! من می توانم برای شما کاری کنم؟ حضرت علیه السلام فرمودند: ای سهل! آیا می توانی یک گوشه از عمامه ات را زیر زنجیر بگذاری؟ سهل می گوید: وقتی زنجیر را برداشتم که دستور

امام سجاد علیه السلام را عملی کنم، ناگهان دیدم که خون تازه جاری شد....  
 ۳. راوی در جای دیگر چنین نقل می‌کند: در آن لحظه، یک زن یهودی از بالای پشت بام، خاکستری را روی سر مبارک حضرت امام سجاد علیه السلام ریخت. حضرت علیه السلام فرمودند: میان آن خاکستر، آتش و ذغال بود و در آن حال دست‌های من بسته بود، هیچ حرکتی نمی‌توانستم داشته باشم، در نتیجه آتش ذغال، سرم را سوزاند.

این در حالی است که حضرت امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: جای سوختگی در سر مبارک پدرم، تا آخر عمرشان باقی مانده بود!

۴. عضد الدوله دیلمی به محضر شیخ مفید رحمته الله آمد و به ایشان گفت: یا شیخ! آیا صحیح است که حضرت امام سجاد علیه السلام به خاطر حوادث شام، فرمودند:

«لِيتَنِي أُمِّي لَمْ تَلِدْنِي»<sup>(۱)</sup>.

ای کاش مادرم مرا نزیاییده بود!

آیا می‌شود که معصوم علیه السلام چنین حرفی بزند؟! شیخ مفید رحمته الله گفت: آیا می‌دانی که حضرت امام سجاد علیه السلام چه وقت این سخن را فرمودند؟ آن وقتی که خودشان علیه السلام می‌فرمایند: دیدم همانطور از اکناف و اطراف، به اسرا سنگ می‌زدند. وقتی این عمل شدت یافت، طفل کوچک من - حضرت امام محمد باقر علیه السلام - که چهار سال داشت در آغوش همسر - دختر امام حسن مجتبی علیه السلام - بود، ناگهان بر اثر سنگباران شدید شامیان، شتر و مرکب همسر رم کرد، و ایشان علیه السلام که می‌خواستند هم از طفل محافظت کنند و هم جلوی اصابت سنگ‌ها را به خودشان بگیرند، مورد ضرب و جرح نامحرمان قرار گرفتند.

۱. مستدرک سفینه البحار، جلد ۹، صفحه ۲۹۶.

پروردگارا! به خون مقدس حضرت سیدالشهدا علیه السلام قسمات می‌دهیم عشق و محبت و اخلاص و جزع و سوز ما را نسبت به آن حضرت علیه السلام روز افزون بفرما! این ارادت و عشق را به میراث در نسل‌های ما باقی بگذار! عزت دنیا و آخرت ما را در سایه ارادت به اهل بیت علیهم السلام مستدام بدار.

« السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ »

## خودآزمایی

- ① معنای مودّت نسبت به خاندان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چیست و این امر چگونه قابل اثبات است؟
- ② شعائری که درباره حج، در قرآن به آنها اشاره شده است، کداماند؟
- ③ منظور از تعظیم شعائر الهی چیست؟
- ④ زیارت کدام یک از حضرات معصومین علیهم السلام، حتی با وجود خطر جانی، جایز است، چرا؟
- ⑤ نماز مسافر در چه جاهایی به صورت تمام نیز جایز است؟
- ⑥ ویژگی‌های ترتب امام حسین علیه السلام، با توجه به حدیث وارده از حضرت امام صادق علیه السلام، کداماند؟
- ⑦ معنای اضرار به نفس چیست و چه حکمی دارد؟
- ⑧ با توجه به فتوای فقها - از جمله شیخ خضر - اضرار نفس در عزاداری حضرت سیدالشهدا علیه السلام چه حکمی دارد؟
- ⑨ فرمایش حضرت امام سجاد علیه السلام درباره عظمت و مقام حضرت زینب کبری علیها السلام چیست؟

علم فقه، علمی است که در آن احکام و قوانین دینی بیان می شود؛ احکامی که تمام مسلمانان به شکل یکنواخت، مورد نظر قرار می گیرند و جز برخی موارد خاص، استثنایی وجود ندارد. نکته ی قابل توجه این که احکام فقهی وقتی نسبت به سیدالشهدا حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام، ملاحظه می شوند، به گونه ای مستفاوت دیده می شوند. برای توضیح این مطلب باید گفت .  
( صفحه ۸ از همین جزوه )

■ محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت :  
ابتدای خیابان امام، جنب قائمیه، فروشگاه آوای مهر.  
■ شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۰۷۲۲۷۰۸ می باشد.  
■ در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات، شماره تلفن همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید.

### محل برگزاری جلسات :

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله یشری رحمته الله علیه

تلفن: ۴۴۴۴۳۴۳-۴۴۴۵۲۷۷-۴۴۴۹۹۳۳ نامبر: ۴۴۴۹۹۳۳

پست الکترونیک: [info@yasrebi.ir](mailto:info@yasrebi.ir)

[www.yasrebi.ir](http://www.yasrebi.ir)